

انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر اسلام سیاسی در ترکیه

سیدمرتضی مفیدنژاد*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۲/۸

چکیده: کشور ترکیه به علل مهمی همچون مؤلفه‌های جغرافیایی، جمعیتی، قومی و تاریخی جزء مهمترین و اصلی‌ترین کانونهایی است که در اثر وقوع انقلاب اسلامی در ایران و صدور آن تحت تأثیر قرار گرفته است. تأثیر آن هم بدین شکل بوده که اسلام سیاسی و جریانات سیاسی که ریشه در بنیان‌های اعتقادی دین اسلام دارد، تا حدود زیادی در ترکیه به صورت پنهانی و بالقوه وجود داشته است ولی این نیرو با وقوع انقلاب اسلامی به مقدار زیادی به فعلیت و بروز رسیده است. علاوه بر آن اتفاقات دهه ۸۰ و ۹۰ سرعت گرفتن این مسئله را در جامعه ترکیه نشان می‌دهد. حضور احزاب اسلامی در رأس قدرت و انحلال پی‌درپی آنها و روی آوردن هر چه بیشتر مردم به ظواهر و نمادهای اسلامی همگی حاکی از تأثیر و نفوذ انقلاب اسلامی در این کشور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، اسلام سیاسی، ترکیه، انقلاب اسلامی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۸۱، دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

پایان جنگ سرد دو رویکرد مختلف را در نگرش رهبران و اندیشمندان ایالات متحده به وجود آورد، از طرفی موجب رضایت خاطر برخی رهبران و اندیشمندان ایالات متحده گردید و از طرف دیگر برخی تحلیلگران و سیاستمداران آمریکائی، فروپاشی شوروی را زنگ خطری جدی برای منافع و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا قلمداد می‌کردند. دسته دوم اعتقاد داشتند که هرچند خطرناکترین دشمن طول تاریخ حیات آمریکا شکست خورده است لیکن همین دشمن خطرناک (شوروی سابق) عامل معنادهنده و هویت‌بخش به ساختار قدرت آمریکا در عرصه سیاست خارجی بود. بنابراین چنین وضعیتی نه تنها مایه رضایت نبود بلکه منافع راهبردی و استراتژی‌های کلان آمریکا در جهان را با چالش روبه‌رو کرد. در چنین شرایطی بود که هانتینگتون در اواسط دهه ۹۰ با مطرح کردن موضوع برخورد تمدن‌ها و تأکید بر گسل‌های تمدنی در صدد بازگرداندن نظم و آرامش به کالبد سیاست‌گذاری کلان آمریکا در عرصه سیاست خارجی برآمد. وی تمدن‌های زنده جهان را به هشت تمدن بزرگ تقسیم کرد و خطوط گسل میان تمدن‌های مزبور را منشأ درگیری‌های آتی و جایگزین واحد کهن دولت - ملت دید.

به اعتقاد هانتینگتون تقابل تمدن‌ها، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل در گریه‌های عصر خود را شکل می‌دهد. به نظر او خصومت دیرینه اسلام و غرب در حال افزایش است و روابط میان تمدن اسلام و غرب آستان بروز حوادثی خونین می‌باشد.

بدین سان این اندیشمند سیاسی با طرح چنین موضوعی و ایجاد یک دشمن مجازی که آلترناتیوی مناسب برای حیات بخشیدن به قدرت ایالات متحده بود، خلأ معنا را در سیاست‌گذاری آمریکا پر کرد. اما نکته مهم این است که نوک پیکان حملات هانتینگتون در برخورد تمدن‌ها به سوی جمهوری اسلامی ایران و الگوی الهام‌بخش انقلاب اسلامی ایران بود. «به نظر وی انقلاب ایران در فوریه ۱۹۷۹ بذر ضدیت و مخالفت با جهان غرب را در کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه و جهان اسلام افکنده است و این بذر پس از دو دهه از سپری شدن انقلاب ایران به درختی تناور تبدیل شده است» (مستکین، ۱۳۸۳: ۶).

در واقع آنچه نقش و جایگاه انقلاب ایران را در ادبیات سیاسی غرب برجسته کرد وارد شدن مؤلفه اسلام سیاسی است، مؤلفه‌ای که دول غربی از آن به عنوان اسلام ستیزه‌جو یاد می‌کنند و این همان عامل اصلی و اساسی نگرانی غرب در مواجهه با جهان اسلام است. در واقع دلیل توجه و تمرکز برنامه‌های دنیای غرب به ایران نیز به این نکته بازمی‌گردد، که به نوعی سرچشمه و الگوی الهام‌بخش اسلام سیاسی اصیل و شیعی در میان مسلمانان می‌باشد.

۱- مفهوم‌شناسی اسلام سیاسی

با در نظر گرفتن نقطه نظراتی می‌توان اسلام را سیاسی‌ترین دین بزرگ جهان به شمار آورد. توانایی پاسخ اسلام به چالش‌های سیاسی و آمادگی برای دفاع از خود در مقابل چالش‌های نظری - سیاسی همه حاکی از این واقعیت مهم است. به عنوان نمونه دین مبین اسلام از همان آغاز از رهبری پیامبر اکرم (ص) برخوردار بوده است که صرفاً یک رهبر دینی نبوده است، بلکه رهبری بود که دولت تشکیل داد و به اقدامات مهم سیاسی دست زد، تا جامعه‌ای که در آستانه فروپاشی و انشقاق بود گردهم جمع کند. از جمله امتیازات مهم دیگر که در آخرین دین الهی نهفته است، این مطلب می‌باشد که در میان حاکمیت تفکرات بیگانه و متضاد با ارزشهای اصیل انسانی ظهور کرده، و جنبش‌های سیاسی - مذهبی خود را بروز داده و روشنگری‌های لازم را ارائه نموده است. «در گذشته نه چندان دور اسلام تنها دین در میان ادیان بزرگ جهان بود که آمادگی مخالفت با حاکمیت و هیمنه غرب را از خود بروز داد و به همین دلیل است که فردی به نام هانتینگتون بعد از فروپاشی شوروی سعی می‌کند یک قدرت و دشمن جدیدی به نام اسلام و یک جانشین مناسب برای ابرقدرت شرقی از هم پاشیده ترسیم کند» (مزروعی، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

با در نظر گرفتن این مقدمه، این سؤال پیش می‌آید که اسلام سیاسی چیست و به لحاظ بین‌المللی و داخلی چه مفهومی از آن برداشت می‌شود؟ با توجه به طبیعت متنوع جهان اسلام و اعتقاد به آن، به دلایل مختلف می‌توان گفت که اسلام سیاسی عمدتاً از آن مسلمانانی است که در جست‌وجوی اصول و بنیان‌های اعتقادی هستند و آن را منبع

مشروعیت و اقتدار می‌دانند. تعبیر اسلام سیاسی در حقیقت به احکام بنیادین اعتقادی باز می‌گردد که در قالب قرآن و روایت به نوعی مورد تأکید قرار گرفته است و افراد سعی دارند در شرایط مختلف و عرصه‌های زندگی اجتماعی از پابندی و التزام به آن دور نگردند. در اصل، اسلام سیاسی را می‌توان به ترتیبی احیاء گرایي ایدئولوژیک در سطح بین‌المللی دانست. در این زمینه به عنوان شاخصه اصلی باید به رهبران سیاسی ایران و گروه‌های اجتماعی مختلف اشاره کنیم که انقلاب اسلامی را در جهت مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی طراحی کردند و نسبت به ملاحظات بیش از حد کشورهای غربی واکنش نشان دادند، که بدین ترتیب موجی از مقاومت را در برابر توسعه‌طلبی‌های غربی بوجود آوردند. این‌گونه حرکات که ماهیت ایدئولوژیک داشت به اسلام‌گرایی سیاسی معروف شد، به طوری که به گفته برخی تحلیل‌گران سیاسی انقلاب اسلامی ایران که نشأت گرفته از اسلام سیاسی است، واکنشی در برابر توسعه‌طلبی کشورهای غربی می‌باشد. چنین مشخصه‌هایی نشان می‌دهد که اسلام سیاسی به معنای واقعی آن، ابزاری برای مقاومت در برابر تهدیدهای غرب و هر دشمن بیگانه‌ای را فراهم آورده و به یاری بنیادهای اعتقادی خود انسجام ایدئولوژیک را بین کشورهای اسلامی بوجود می‌آورد.

نباستی از این نکته مهم هم غافل ماند که با وجود تلاش بسیاری از مسلمانان برای رهایی جامعه خود از نفوذ دشمن، به ندرت دیده شده که دارای روشی واحد برای عملی کردن اهداف گوناگون سیاسی و مذهبی خود باشند و ریشه این مسئله در بیشتر اوقات به برداشت‌های شخصی و متفاوت از احکام و مبانی اعتقادی اسلام باز می‌گردد. در واقع یکی از مسائل مهم در این مقوله که نباید آن را از نظر دور داشت، این است که در حال حاضر قرائت‌های متفاوتی از اسلام سیاسی در میان مسلمانان و بعضی از کشورهای اسلامی وجود دارد که شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن جامعه نیز می‌تواند سهم مؤثری در این مسئله داشته باشد به عنوان نمونه اسلام سیاسی برگرفته از مبانی شیعی با اسلام سیاسی که ریشه در اعتقادات اهل سنت دارد، از تفاوت‌های آشکاری در عرصه عمل و نظر برخوردار می‌باشد؛ تفاوت‌هایی که به راحتی نمی‌توان از کنار آنها گذشت.

نکات بیان شده روشن نمود که با توجه به مؤلفه‌های بومی، اعتقادات، آداب و رسوم و تحولات بین‌المللی به هنگام کالبدشکافی و تشریح اسلام سیاسی در یک کشور مسلمان، با فاکتورها و عوامل جانبی بسیاری روبرو خواهیم بود که در تحلیل‌های خود مجبور خواهیم بود که به نوعی به آن‌ها توجه داشته باشیم. مقوله اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیرات جدی انقلاب اسلامی ایران بر آن نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۲- نگاهی کلی به جایگاه اسلام و سیاست در ترکیه

۲-۱- اسلام در ترکیه

بدون شک اسلام موضوع اصلی در بستر تحولات دوران عثمانی و بعد از آن جمهوری ترکیه بوده است. از این رو لازم است میراث‌های امپراتوری عثمانی و جمهوری ترکیه به طور اجمالی مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر اسلام در ساخت هویتی مردم و جامعه ترکیه نقش کلیدی بازی می‌کند. نباید از نظر دور داشت که این کشور از لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای قرار گرفته که متأثر از فرهنگ‌های ایرانی، اروپایی و اسلامی بوده و بر آنها نیز تأثیراتی گذاشته است. در واقع با نگرشی به تاریخ می‌توان اذعان نمود که در طول زمان، اسلام و ترکیه به نوعی از یکدیگر متأثر بوده‌اند. در قرون گذشته قرار گرفتن این کشور در مسیر جاده ابریشم نیز باعث تعاملات اقتصادی و فرهنگی بسیاری با کشورهای چین، هند، ایران و اروپا گردید. از سوی دیگر همسایگی با اروپا و تمدن‌های اروپایی نظیر یونان، روم و سپس بیزانس بر نوع و شکل‌گیری تفکرات فرهنگی این جامعه بی‌تأثیر نبوده است. ظهور عصر نوزایی (رنسانس)، انقلاب کبیر فرانسه و تحولات مهم دیگر اروپا در روند غرب‌گرایی و سکولار شدن قسمت عمده‌ای از روشنفکران این سرزمین کهن تأثیر بسزایی داشته است (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۱۶).

در مورد امپراتوری عثمانی بایستی تأکید کرد که اسلام نقش بسیار مهم و بسزایی در تداوم و بقای امپراتوری عثمانی ایفا کرد. به طور کلی می‌توان ادعا نمود که تمدن عثمانی که مخلوطی از فرهنگ اسلامی، تمدن ایران و بیزانس بود، بیش از ۶ قرن بخش بزرگی از جهان اسلام را تحت نفوذ خود قرار داده و سرزمین آناتولی مرکز اصلی این

امپراتوری به شمار می‌رفت. میراث فرهنگی آن دوران چنان عظیم و چشمگیر است که با طرح مسئله اسلام‌گرایی در این سرزمین، نگاه‌ها به تاریخ گذشته معطوف می‌گردد. با جدا شدن متصرفات عثمانی براساس معاهده سور در سال ۱۹۲۲ م (برابر با ۱۳۰۱ هـ ش) و نهایتاً امضای عهدنامه لوزان با متفقین در سال ۱۹۲۳ میلادی سرزمین آناتولی از سایر سرزمین‌ها جدا شد و به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت شناخته شد. مصطفی کمال پاشا نیز به عنوان یک تجددگرای سیاسی - فرهنگی و هم به عنوان یک فرمانده نظامی که در طول جنگ‌های استقلال مشهور بود، به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد و پایه‌گذار تحولاتی هماهنگ با فرهنگ و تمدن غربی گردید. در واقع دولت تلاش زیادی را در جهت نابودی کامل و زمین‌گیر کردن هر آنچه با مظاهر اسلامی ارتباط داشت مبذول کرد و در همین راستا بسیاری از علما و فضایی دینی که قبل از این به فعالیت اسلامی می‌پرداختند، موقعیت اجتماعی و قدرت سیاسی خود را از دست داده و مؤسسات و تشکل‌های فرهنگی و سیاسی که در غالب آن فعالیت می‌کردند، تعطیل شد. ورود تمدن و فرهنگ غربی همراه با حذف ظواهر اسلامی با ویژگی‌های اجتماعی و آداب و رسوم مردم مسلمان این کشور همخوانی نداشت و از این رو از بدو تأسیس نظام جمهوری، چالشی عمیق در کشور ایجاد شد که بعدها حوادث و وقایع بسیاری را موجب گردید. البته زمینه‌های پذیرش فرهنگ غرب در ترکیه، ریشه در سال‌های پایانی امپراتوری عثمانی و اصلاحات صورت گرفته توسط ترکان جوان عثمانی دارد، ولی به قدرت رسیدن آتاترک و الغای خلافت، نقطه عطفی در این روند محسوب می‌شد. با وجود تمام شرایط ذکر شده، ملت مسلمان ترکیه از جمله ملل مسلمان جهان است که در ۷۰ سال گذشته با شدیدترین اقدامات ضد دینی مواجه بوده است و از همان ابتدای سال‌های تأسیس حکومت به ظاهر لائیک و در اصل ضد دین، مردم مسلمان ترکیه دست بحرکاتی برای حفظ فرهنگ اصیل اسلامی خود زدند و تاکنون نیز همواره درصدد نگرهبانی از اصول اعتقادی خویش بودند. به خصوص پس از وقوع انقلاب عظیم اسلامی، مردم ترکیه جانی دوباره گرفتند و با جدیت هرچه بیشتر به اقدامات جدی پرداختند (صادقی، ۱۳۷۶: ۷).

در مورد بافت جمعیتی مسلمانان ترکیه نیز ذکر این موضوع حائز اهمیت است که هرچند آمار مربوط به پیروان مذهب در ترکیه رسماً منتشر نشده، اما برابر با تخمین‌های آماری مختلف حدود ۹۹٪ جمعیت ترکیه مسلمانند. این مسلمانان خود به چند بخش تقسیم می‌شوند:

یک. حنفی‌ها - جمعیت قابل ملاحظه‌ای از اهل سنت ترکیه را تشکیل می‌دهند.
دو. شافعی‌ها - شاخه‌ای از اهل سنت است و پیروان این فرقه را اکثراً کردها تشکیل می‌دهند.

سه. پیروان فرقه‌های دیگر اهل سنت

چهار. علوی‌ها که معروف به قزل‌باش یا علی‌اللهی هستند که خود به ۴ دسته رافضی، باطنی، حروفی و بکتاشی تقسیم می‌شوند.

پنج. شیعیان پیرو مذهب جعفری که قریب ۲ میلیون نفر در ترکیه را تشکیل می‌دهند. البته نباید از این نکته هم غافل بود که پس از پیروزی انقلاب ایران اغلب مسلمانان ترکیه همانند مسلمانان دیگر نقاط جهان صرف نظر از مذهبشان از انقلاب اسلامی و رهبری آن حمایت کردند (صادقی، ۱۳۷۶: ۲۴).

۲-۲- نگاه کلی به وضعیت سیاسی در ترکیه

تحولات کنونی مربوط به اسلام و سیاست در ترکیه را باید در چارچوب دو میراث مهم تاریخی مورد ارزیابی قرار داد. ابتدا نقشی که اسلام در ساختار اجتماعی و سیاسی امپراتوری عثمانی ایفا کرده است و بعدها حضور این نگاه اسلامی در حکومت جمهوری. قبل از پرداختن به بحث اصلی ممکن است این سؤال مطرح گردد که چرا لازم است میراث‌های عثمانی در جمهوری ترکیه مورد بحث و بررسی قرار گیرد؟ باید در جواب این سؤال تأکید کنیم که این یک حقیقت مهم است که اسلام موضوع اصلی در بستر تحولات عثمانی و پس از آن یعنی در دوران جمهوری بوده است. اگر اسلام در ترکیه به صورت یک درخت تنومند مجسم شود، ریشه‌های آن تاریخ، تمدن و فرهنگ عثمانی است. بدنه آن جریان‌های فعلی مذهبی، سیاسی و اجتماعی در داخل این کشور

می‌باشد و شاخه‌های تازه جوانه زده آن ترسیم کننده آینده حرکت‌های اسلامی در ترکیه است (حیدرزاده، ۱۳۸۰: ۱۷).

۲-۱-۲- دوران عثمانی

در این دوره دین اسلام در ساختار اجتماعی و سیاسی امپراتوری عثمانی نقش اساسی ایفا کرده است. در امپراتوری عثمانی دولت به طور مطلق بر اسلام استوار بود و دین اسلام علاوه بر سیستم اداره کشور در زندگی روزمره شهروندان نقش بسزایی داشته است. در واقع می‌توان گفت به نوعی یکی از اساسی‌ترین عوامل درخواست سلاطین عثمانی برای گسترش مرزهای امپراتوری و منشأ اصلی حقوق و حاکمیت سیاسی در زمان عثمانی محسوب می‌شود. «از جمله مسائل مهم و خصوصیات ویژه‌ای که اسلام در زمان عثمانی برخوردار بوده است می‌توان به این مسئله اشاره کرد که اعتقادات دینی مردم در حکومت عثمانی، با آنچه حاکمان مدنظر داشتند کمی متفاوت بود. مقامات عالی واحدهای دولتی و مأموران حکومتی از یک نوع فکر دینی برخوردار بودند که در واقع نماینده عقاید سنی‌ها بود و از سوی دیگر مردم دون پایه شهر و روستا نیز طرفدار و پیرو اسلامی بودند که با مذاهب، طریقت‌ها، تکیه‌ها و اولیائش نشانگر نیرویی قوی تر از اسلام دربار و منتخبین هیئت حاکمه بود» (صادقی، ۱۳۷۶: ۳۸).

طی چند قرن حکام عثمانی از طریق نهاد خلیفه و سلطان بر قلمرو پهناور امپراتوری عثمانی حاکمیت خود را اعمال می‌نمودند. به علت ارتباط تنگاتنگ خلفا و سلاطین، اکثر اندیشمندان این دو را به صورت توأم و تحت عنوان نهاد «سلطنت - خلافت» مورد بررسی قرار می‌دهند و کارکردهای آن را به عنوان یک الگوی ساختاری برای یک حکومت اسلامی مطلوب برخی از جناحهای ملی - مذهبی که ممکن است صرفاً منطبق با شرایط ترکیه باشد برمی‌شمارند. از این رو لازم است خصایص این نهاد با توجه به نقشی که ممکن است در تفکر اسلام‌گرایان فعلی اجرا کند به طور اجمالی ارزیابی شود. این نهاد با ثبات اجتماعی که گاهی هم کارکرد سیاسی داشت به اعتقاد روشنفکران یک سیستم اقتدارگرا محسوب می‌شد که هم بر امور دنیوی و هم در قلمرو امور مذهبی نفوذ خود را اعمال

می‌کرد. سلطان برای مشروعیت آراء و تصمیماتی که با نام مذهب اتخاذ می‌کرد، به علما وابسته بود و این گروه به نظرات سلطان مشروعیت می‌دادند. از این رو این دو از قدرت عظیمی برخوردار شده بودند و یکدیگر را تقویت می‌کردند. البته شایان ذکر است که این مسئله به مرور زمان مورد انحراف قرار گرفت و برخی از سلاطین با سعی و تلاش در یکی کردن نهاد خلافت و سلطنت چهره خلیفه را (سلطان سلیم در اول قرن شانزدهم میلادی) به کلی مخدوش کردند (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۳۳).

خلاصه کلام اینکه نهاد کلیدی خلافت به عنوان مانع قدرتمندی در تعریف هویت جدید در زمان عثمانی وجود داشت اما کم‌کم و به علل مختلف این نهاد رو به ضعف نهاد تا اینکه در سال ۱۹۲۴ میلادی به دنبال اصلاحات انجام شده در کشور عثمانی این نهاد سنتی لغو گردید و شرایطی جدید بدون تعریف هویت جدید و ساختارمند شکل گرفت.

۲-۲-۲- دین در ترکیه مدرن

اصطلاحات غرب‌گرایانه و احیای لائیسزم توسط مصطفی کمال آتاتورک میراث مهمی در تاریخ ترکیه محسوب می‌شود که چشم‌اندازی جدید را برای آینده این کشور رقم زد. «آتاتورک» از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ به عنوان اولین رئیس‌جمهور کشور و قدرتمندترین فرد رژیم تک‌حزبی‌ای بود که خود بنیان‌نهاد بود و استراتژی مقهورانه‌ای را در جهت لائیزم در پیش گرفت. لغو مقولات و نهادهایی همچون خلافت، محاکم دینی، نهاد شیخ‌السلامی، حذف عبارت «دین دولت اسلام است» از قانون اساسی، تعویض تقویم، استفاده از قانون مدنی سوئیس، تغییر لباس‌های ملی و... از جمله فعالیت‌هایی بود که وی برای دستیابی به اهدافش به انجام رساند (صادقی، ۱۳۷۶: ۳۸). قصد واقعی آتاتورک از میان برداشتن دین بود؛ او شرایط را به گونه‌ای ترسیم کرده بود که براساس آنها دولت بتواند مستقیماً در بنیادهای اسلامی دخالت کند. در واقع او با این مکانیزم قصد داشت دین را در کنترل خود درآورد.

نکته مهم این است که از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰ دوره «اسلام‌گرایی» به معنای واقعی کلمه رخ نداد بلکه در این دوران به دلیل وجود نظام‌های تک‌حزبی فعالیت‌ها بیشتر به صورت زیرزمینی و مخفی پیگیری می‌شد. اگرچه از سال ۱۹۴۵ به بعد سیستم چندحزبی حاکم شد



اما احزاب اسلامی عمداً از فعالیت قانونی منع شدند تا زمانی که کم‌کم اسلام سیاسی در عرصه جامعه ترکیه به صورت علنی خود را نشان داد و توانست حضور خود را رسمیت بخشد. از سال ۱۹۶۰ به بعد اسلام سیاسی به بالندگی خود ادامه داد و نشان‌های حضور اسلام سیاسی را می‌توان در روی کار آمدن حزب عدالت به رهبری سلیمان دمیرل دید. این حزب شعارهای اسلامی را سرلوحه کار خود قرار داد، اگرچه که در سال ۱۹۷۱ تعطیل شد، اما دهه ۱۹۷۰ با ظهور «حزب سلامت ملی» به رهبری نجم‌الدین اربکان و شرکت در سه ائتلاف حاکم، عملاً تحت تأثیر اسلام‌گرایی سیاسی بود که با آغاز تحولات دو دهه آخر قرن بیستم، وارد دوران جدید رشد خود شده بود (زارع، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

۳- مؤلفه‌ها و مسائل اساسی اسلام سیاسی در ترکیه

۳-۱- مردسالاری و اسلام‌گرایی

با نگاهی کلی به عرصه سیاست و قدرت در جوامع اسلامی به خوبی به این مسئله پی می‌بریم که هرگاه فرصتی هرچند اندک و ناچیز، برای استقرار مردم‌سالاری و ایجاد فضای باز سیاسی در کشورهای مسلمان‌نشین پدید آمده، در بیشتر مواقع شاهد روی آوردن این جوامع به احزاب، نامزدها و گروه‌های اسلام‌گرا بوده‌ایم. به عبارت دیگر می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که رشد مردم‌سالاری با رشد اسلام‌گرایی در کشورهای دارای اکثریت مسلمان همواره مثبت بوده است و ترکیه نیز از این قاعده مستثنی نیست (زارع، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

اگر بخواهیم روند رشد مردم‌سالاری و به تبع آن اسلام‌گرایی در عرصه سیاست را مورد بررسی قرار دهیم باید این مسئله را مدنظر داشته باشیم که بعد از فروپاشی عثمانی و روی کار آمدن آتاتورک (که با شعارهای دروغین جمهوریخواهی و آزادی شور و شوق زیادی در مردم ایجاد کرده بود) شاهد یک استبداد تک‌حزبی هستیم که اجازه هرگونه فعالیت اسلامی و حتی غیراسلامی را از مردم سلب می‌کند و تا مدت زیادی فعالیت‌های مردم‌سالاری را به تأخیر می‌اندازد و خودکامگی به مراتب شدیدتر از عثمانی بر کشور حاکم می‌شود. آتاتورک بدون اجازه به فعالیت احزاب دیگر و بدون نظرخواهی و

رفتارندوم از مردم و به رغم مخالفت‌های بیشتر مسلمانان جامعه، اصول لائیسزم را با زور و خشونت یکی پس از دیگری وارد شئون مختلف جامعه کرد و در نهایت مدتی قبل از مرگ و در آخرین اقدام اسلام را به عنوان «دین دولت» از قانون اساسی حذف کرد.

با مرگ آتاتورک در ۱۹۳۸ «عصمت اینونو» جانشین وی شده و او نیز کوشید روش استبدادی آتاتورک را دنبال کند و شیوه حکومت تک‌حزبی دین‌ستیز را دنبال کند ولی ناتوانی لائیسزم در اداره حکومت و نارضایتی توده‌های مردمی منجر به شکاف اساسی بین دولت و ملت شد و همین مسئله موجب شد تا او مجبور شود برای جلوگیری از ناخشنودی گسترده مردم و همراهی با جوّ ضد دیکتاتوری و دموکراسی خواهی پس از جنگ دوم جهانی؛ کمی تا حدودی سیاست بازتری را برای فعالیت‌های مردم مسلمان فراهم کند. بازگشائی دوباره مراکز علمی اسلامی، آزاد شدن سفر حج، به جا آوردن نماز به زبان عربی و... از این قبیل کارها بود (زارع، ۱۳۸۳: ۱۷۶). در نهایت حزب جمهوری خواه خلق (حزب آتاتورک) و عصمت اینونو با استقرار نظام چندحزبی و باز شدن نسبی فضای سیاسی جامعه ترکیه توانایی ایستادگی در مقابل انتخاب و رأی مردم را از دست دادند.

۳-۲- نظام چندحزبی و ظهور اسلام‌گراها

در بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ هشت حزب سیاسی تشکیل شد که در برنامه‌های سیاسی خود پاره‌ای از امور مذهبی را گنجانده بودند اما دهه ۱۹۵۰ میلادی دهه اقتدار حزب دمکرات بود که موضع نزدیکتر و منعطف‌تری نسبت به اسلام در جامعه داشتند. در دوره اقتدار دمکرات‌ها اذان گفتن به زبان عربی از مناره مساجد، تلاوت قرآن در رسانه‌های گروهی، تأسیس مدارس مذهبی رسمی و افزایش بودجه‌های دینی دوباره رواج پیدا کرد، به همین دلیل آغاز دهه ۱۹۵۰ را می‌توان، مبدأ فروپاشی بنیان‌های لائیسزم در ترکیه دانست (کسرائی، ۱۳۷۶: ۱۹-۲۰).

«در انتخابات ۱۹۸۳ حزب مام میهن به رهبری تورگوت اوزال در شرایطی که رهبران احزاب پیش از کودتا از جمله اربکان و دمیرل از رقابت منع شده بودند، به پیروزی چشم‌گیری دست یافت. بدین ترتیب اولین دولت غیرنظامی بعد از کودتا تشکیل شد. با

فرو ریختن حصارهای سیاسی پس از ۱۹۸۳ و رونق آزادیهای اجتماعی و اعمال قانون و ظهور نظام چندحزبی قرنطینه سیاسی افرادی مثل اربکان به پایان رسید و راه برای نفوذ و گسترش حزب رفاه فراهم شد.

این حزب به اشاره اربکان و توسط علی ترکمن یکی از نزدیکان وی، تأسیس شد ولی در ۱۹۸۶ که محرومیت اربکان لغو شد او رهبری حزب را برعهده گرفت. حزب رفاه هم کم کم و به مرور زمان با موضع گیری‌هایی در ابعاد گوناگون به صورت یک حزب سیاسی تمام عیار به صورت آشکار به فعالیت پرداخت و از ۱۹۹۳ به بعد حضور جدی در سطح جامعه داشت» (زارع، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

با نگاهی به کارنامه، احزاب اسلام گرا، حزب رفاه را می توان از موفق ترین احزاب این کشور به شمار آورد چرا که این حزب برای اولین بار در تاریخ ترکیه به عنوان یک حزب اسلام خواه توانست به قدرت دست یابد و عملاً گام های بلندی را در مسیر احیای شعائر دینی و حقوق مردم مسلمان بردارد، به طوری که به جرأت می توان دهه ۱۹۹۰ میلادی را، دهه حزب رفاه و اربکان در ترکیه نامید. این حزب در انتخابات های مختلف و با ائتلاف های گوناگون که با احزاب دیگر انجام داد توانست تا حد زیادی کارآیی خود را به مردم ترکیه اثبات کند اما این روند ادامه نیافت و در سال ۱۹۹۷ میلادی نظامیان ترکیه کودتای بدون درگیری را علیه این حزب به راه انداختند و دولتی را که اربکان متصدی آن بود و اکثریت آن از حزب اسلام گرای رفاه بودند، سرنگون کرد.

حزب رفاه که توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرده، و نجم الدین اربکان به طور مکرر لائیسم ضد مذهب در ترکیه را نکوهش می کرد، زمانی که احتمال انحلال آن حزب بوسیله نظام لائیک داده شد، عاقلانه به تأسیس حزب جدیدی به نام فضیلت اقدام کرد و اعضای رفاه دسته جمعی به این حزب پیوستند اما این حزب در انتخابات مجلس به سومین حزب تنزل پیدا کرد و روز به روز از قدرت واقعی آن کم شد. تحلیلگران مهمترین عوامل کاهش آراء حزب مزبور را در عقب نشینی از مواضع اسلام گرایانه، نوپا بودن حزب، محرومیت اربکان از فعالیت های سیاسی که می توانست خلاء بزرگی باشد، کشمکش های درونی و اقدامات نظامیان در به انفعال کشیدن حزب می دانند (زارع، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

فارغ از این مسائل حزب مذکور تحت فشار نظامیان و لائیک‌های افراطی منحل اعلام گردید و دادگاه قانون اساسی ترکیه در مارس ۲۰۰۱ رسماً حکم انحلال آن را صادر نمود. حزب اسلام‌گرای فضیلت در ماه‌های پایانی عمر خود به دو گروه عمده تقسیم شده بود که اختلافات آنها از دلایل اصلی تضعیف این تشکل سیاسی بود، این دو جناح یکی سنت‌گراها به رهبری فردی به نام «رجایی کوتان» و نوگراها (اصلاح‌طلبان) به سرکردگی عبدالله گل، از نزدیکان اربکان بود. درگیری و اختلاف آنها در ارتباط با فهم مبانی اسلام و تفسیر و برداشت از آن در خصوص مسائل سیاسی و فرهنگی روز جامعه ترکیه باعث شد تا سنت‌گرایان دست به تشکیل حزبی اسلامی با گرایش محافظه‌کارانه به نام «سعادت» بزنند. جناح نوگرا و اصلاح‌طلب حزب تعطیل شده فضیلت نیز در صدد تشکیل یک حزب جدید برآمد، و طبیعی بود که رهبری این حزب به عهده عبدالله گل رهبر جناح نوگرا در آخرین کنگره حزب فضیلت باشد، ولی با لغو ممنوعیت فعالیت سیاسی «رجب طیب اردوغان»، شخصیت برجسته حزب رفا، رهبری حزب جدید به او واگذار شد و او بلافاصله تشکیل حزب عدالت و توسعه را رسماً اعلام کرد. گروه جدیدی که گرد اردوغان جمع شده بودند اغلب از اسلام‌گرایانی بودند که خود را نوگرا می‌دانستند. شعار حزب نیز در ابتدای تأسیس «صداقت و کوشش» انتخاب شد (مفیدنژاد، ۱۳۸۶: ۷).

مشکلات اقتصادی ترکیه و ضعف دولت‌ها موجب شد که انتخابات پارلمانی زود هنگام در سال ۲۰۰۲ برگزار شود. در این زمان حزب عدالت و توسعه در انتخابات برخی از مناطق شهرداریها موفقیت‌هایی کسب کرده و در شهرداری استانبول بعضی از سران حزب عملکرد خوبی ارائه داده بودند. این عملکرد همراه با شعارهای اعتدال‌گرایانه این حزب سبب پیروزی چشم‌گیر آنها در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ شد. این حزب موفق شد با کسب ۳۴/۲ درصد آراء یعنی ۳۵۳ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان بدون نیاز به ائتلاف به تشکیل دولت اقدام کند؛ چرا که از حداکثری برخوردار بود که برای تشکیل دولت نیازمند ائتلاف با گروه‌های دیگر نبود. مشی این دولت پس از به قدرت رسیدن در ارتباط با مسائل داخلی و خارجی، اعتدال و میانه‌روی بوده است. در ارتباط با مسائل دینی و اسلامی، دولت اردوغان تلاش نموده است تا به تدریج مشی لائیسزم در دولت ترکیه، که به منزله مخالفت

با مذهب است، به سوی سکولاریسم و قبول مذهب در حوزه خصوصی افراد جامعه سوق داده شود. هرچند دولت اردوغان تلاش کرد با در پیش گرفتن مشی اعتدالی، با نظامیان، کمالیست‌ها و مخالفین خود درگیر نشود اما با اتمام دوره ریاست‌جمهوری ترکیه و پیشنهاد عبدالله گُل به عنوان نامزد حزب عدالت و توسعه به پارلمان برای کسب مقام ریاست‌جمهوری و مخالفت همه‌جانبه سایر احزاب و نظامیان و نیز ترک پارلمان در هنگام رأی‌گیری، چالشی جدی در صحنه سیاسی ترکیه پدید آمد که به انحلال پارلمان و انتخابات زودهنگام منجر شد. البته در انتخابات بعدی نیز این حزب «عدالت و توسعه» بود که توانست با اقبال عمومی بیش از پیش بر رقبای خود پیشی بگیرد و قسمت عمده‌ای از کرسی‌های پارلمان را تصرف کند (واعظی، ۱۳۸۶: ۵).

۳-۳- مسائل اصلی اسلام سیاسی در ترکیه

در مورد اسلام سیاسی در ترکیه اشاره به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد: یک. می‌توان گفت تجربه جنبش اسلامی در ترکیه، تجربه‌ای بی‌نظیر است که زاینده شرایط خاص این کشور است. در این تجربه جنبش اسلامی لاجرم می‌باید، مبارزه با دین‌ستیزی را به عنوان نخستین هدف برگزیند تا راه برای اهداف بعدی گشوده شود به همین دلیل جنبش اسلامی و اسلام سیاسی در فراز و فرود شرایط و انحلال پی‌درپی احزاب اسلامی آبدیده‌تر از گذشته و با دقت تمام، حرکت در مسیر دستیابی به هدف اول را پی می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۶: ۲).

اساساً مشخصه لائسته‌تری که شاید نتوان نظیری بر آن یافت دین‌ستیزی است و همین مسئله راه و روش و مشی حرکت‌های اسلامی در این منطقه را از نقاط دیگر جهان متفاوت می‌کند. یکی از نویسندگان برجسته ترکی در این باره می‌گوید: «تفاوت میان لائسته فرانسوی و لائسته ما فقط و فقط در لفظ نیست که ما آن را به نام کمالیسم می‌شناسیم، بلکه ترکیه نوع خاص از لائسته را بنا نهاده است که با نوع متعارف آن در کشورهای غربی به معنای جدایی دین از سیاست کاملاً تفاوت دارد».

دو. اسلام‌گرایان سیاسی ترکیه قائل به مبارزه توأم با خشونت نمی‌باشند و از طریق دو راهبرد کلان سعی در رسیدن به اهداف مذهبی خود دارند. راهبرد اول تأسیس مؤسسات اجتماعی، اقتصادی، فعالیت فرهنگی نظیر مدرسه‌سازی، شرکت در خدمات عام‌المنفعه و فعالیت‌های اجتماعی سالم است. راهبرد دوم نیز اولویت را به کار و تحرک سیاسی می‌دهد و می‌خواهد در حیات سیاسی جامعه فعال باشد. از این رو شرکت فعالانه در انتخابات در هر زمان در دستور کار است (حیدرزاده، ۱۳۸۰: ۱۹).

بنابراین می‌توان گفت در این کشور اسلام سیاسی در محیطی دموکراتیک و سکولار به عنوان حزب سیاسی در یک سیستم پارلمانی تکامل یافته است اما اسلام سیاسی در مناطق دیگر جهان متفاوت بوده است. مثلاً در جهان عرب اسلام سیاسی نیرویی در جهت بسیج توده‌ها علیه استعمارگران بوده که در دوره اخیر به جای مبارزه با استعمار، علیه دولت‌های مستبد خودی به کار رفته است. در نتیجه اسلام سیاسی در ترکیه کمتر به اسلام رایج در مصر و الجزایر شباهت دارد.

سه. همان‌طور که در سطور گذشته نیز به آن اشاره شد رشد اسلام‌گرایی و توجه به اسلام سیاسی در ترکیه با مردم‌سالاری و بالندگی دموکراسی رابطه مستقیم دارد. در واقع دهه ۶۰ به بعد که فضای بیشتری بر اعمال آزادیهای فردی و اجتماعی باز شد، توجه و رویکرد به اسلام بُعد جدی‌تری به خود گرفت. همین مسئله باعث شد تا ارتش به انحاء مختلف و با بهانه‌های گوناگون در مقابل آن ایستادگی کند. این موانع خود را در قالب انحلال پی‌درپی احزاب اسلامی و مبارزه با مظاهر دینی نشان داد.

چهار. در ترکیه به طور کلی سه رویکرد متفاوت از اسلام سیاسی قابل تشخیص می‌باشد: اولاً اسلامی که با فرهنگ کشور ترکیه هماهنگ است، یعنی اسلام امپراتوران عثمانی که با مدرنیزه کردن آتاتورک و پیروان فکری او سازگار است. ثانیاً اسلامی است که حضور نیرومندتری در مسائل سیاسی دارد و ترک‌های مذهبی و محافظه‌کار بر آن تأکید ویژه‌ای دارند. در توضیح این رویکرد باید گفت، این جنبش و تفکر اسلام‌گرا به دو گروه تقسیم شده است. یک گروه اسلام سنتی را پذیرفته (که موقعیت خود را تا حدودی از دست داده است) و گروه دیگر در صدد است به کمک اسلام، نظامی از ارزش‌ها را بنا کند که بتوان

به آن استناد کرد. در واقع این افراد طیف نوگرایی هستند که از ابتدای سال ۲۰۰۰ به بعد به تدریج در برخی انتخاباتها قدرت گرفتند. آنها به طور کلی با اصول لائیسته نیز مخالفت آشکار ندارند و به نوعی سعی می‌کنند تا حدودی منافع لائیسک‌ها را هم مدنظر داشته باشند. اما رویکرد سوم یک برداشت افراطی از اسلام سیاسی دارد که بعضاً در فعالیت‌های خود خشونت را نیز همراه دارند. هرچند که نمود بیرونی این رویکرد و توجه به آن توسط مردم در سطح بالایی قرار ندارد.

۴- انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر اسلام سیاسی در ترکیه

۴-۱- عوامل تأثیرگذار

اگر انقلاب اسلامی ایران در اواخر دهه ۷۰ به وقوع نپیوسته بود، شاید هم اکنون پیشرفت اسلام در ترکیه بسیار کندتر شکل می‌گرفت. انقلاب اسلامی در ایران و گسترش حرکت‌های بنیادگرایانه در خاورمیانه دقیقاً با نقطه اوج بحران‌های سیاسی و اجتماعی ترکیه مواجه شد. تقارن این حوادث با هم در یک زمان برای بیداری اسلامی در ترکیه زمینه‌ای قوی‌تر از ۳۰ سال گذشته ایجاد کرد. ماهیت مذهبی و اسلامی دولتی که بعد از انقلاب به دست مردم ایران ایجاد شد، در اعتماد به نفس و خودآگاهی اسلام‌گرایان ترکیه بسیار مؤثر بود، زیرا حاکمیت دینی در ایران احساس حقارت‌های دیرینه در برابر لائیسزم و نیروهای چپ را از بین می‌برد. علاوه بر این، برخی پایدارترین تأثیرات انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی ترکیه را در تقویت بنیادهای فکری و اقتصادی آنها برای ورود به صحنه سیاسی ترکیه در دهه ۱۹۹۰ میلادی می‌دانند (زارع، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

اما قبل از هر چیز باید به این مسئله اشاره کنیم که جهت بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر ترکیه توجه به سه نکته و مؤلفه بسیار ضروری و مهم است: یک. ابعاد جغرافیایی: این دو کشور همسایه و هم‌مرز هستند و به طور طبیعی تحولاتشان سریع‌تر و شدیدتر به هم منتقل می‌شود. ترکیه دروازه اسلام و اروپا محسوب می‌شود و به

نوعی پل ارتباطی کشورهای مسلمان خاورمیانه و کشورهای اروپایی است. از نظر ترانزیتی نیز این دو کشور دارای ارزشهای استراتژیکی هستند.

دو. ابعاد تاریخی: در طول تاریخ همواره بین دولت‌های فلات ایران و آناتولی مخاصمات، تهدیدات و روابطی وجود داشته است. جنگ‌های درازمدت، صلح‌ها، روابط تجاری، دادوستدهای فرهنگی و الگوهای دینی که ۲ کشور برای یکدیگر چه در داخل و چه در خارج در طول سال‌های گذشته ترسیم می‌کردند، همگی شاهی بر این قضیه است. به طور مثال الگوبرداری رضاخان پهلوی از حکومت آتاتورک و اجرای برخی از سیاستهای آن در ایران را می‌توان در این زمره به حساب آورد. اهمیت نقش دو کشور در استراتژی امنیتی و دفاعی غرب ملی سال‌های گذشته را نیز باید به این مسئله اضافه کرد. به همین دلیل بود که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تحول شدید سیاسی و دینی بسیاری از معادلات موجود را به هم ریخت.

سه. ابعاد جمعیتی و قومی: شیعیان ترکیه که یک اقلیت بسیار بزرگ می‌باشند عمدتاً در استان‌های هم‌مرز با ایران ساکنند. متقابلاً بخش مهمی از جمعیت ایران که ترک‌زبانند با ترکیه هم‌مرز هستند. همچنین در هر دو کشور اقلیت بزرگی از کردها وجود دارند. مسائل فوق‌الذکر که عوامل متعارضی برای اختلاف و یا همگرایی ایران و ترکیه بوده به همین میزان در مقوله تأثیر انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی خواهد داشت. به طور طبیعی شیعیان ترکیه جزء اولین و مهم‌ترین مخاطبان انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شدند که در سهولت آن نقش بسزایی داشت (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۶-۲۰۸).

۴-۲- مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی بر اسلام سیاسی در ترکیه

وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ هجری شمسی (۱۹۷۹) تأثیرات بسیاری بر اسلام سیاسی در ترکیه داشت از جمله:

یک. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، احزاب اسلام‌گرا پشوانه‌ای معنوی و ایدئولوژیکی برای خود به عنوان الگو یافته بودند، به همین جهت بسیاری از صاحب‌نظران رشد شکل‌های

مختلف اسلام‌گرایی را نتیجه انقلاب اسلامی می‌دانند. به طور نمونه روزنامه «زونتا گربلات» در این باره نوشته است:

«همه راهها به تهران منتهی می‌شود. زمانی در گذشته اسلام‌گرایی از این‌جا به سایر نقاط جهان منتشر می‌شد. جنبشی که دین و سیاست را در یک قالب به هم آمیخته بود و بدین ترتیب موجبات ترس و نگرانی غرب را فراهم آورد» (زارع، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

دو شیعیان ترکیه که در برخی از منابع جمع‌آوری شده بیش از ۲ میلیون از جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهند با پیروزی انقلاب اسلامی ارتباط معنوی بیشتری با ایران برقرار کردند. افزایش چشمگیر مهاجرت جوانان از ترکیه به ایران جهت تحصیل علوم اسلامی نیز می‌توانست منشأ عظیمی در آشنا شدن مردم با مبانی اسلامی و رشد اسلام‌گرایی باشد از جمله شواهدی که بر این قضیه دلالت می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«بعد از انقلاب اسلامی، تعداد زیادی از جوانان شیعه که در حوزه علمیه شهر مقدس قم تحصیل علوم دینی کرده‌اند، به اوطان خود برگشته و با آگاه کردن مردم موجب احیای مذهب اهل بیت شده‌اند، به طوری که تا ۱۵ سال قبل در شهر استانبول تنها یک مسجد شیعه وجود داشت و آن هم مسجد والده خان بود که متعلق ایرانیان مقیم ترکیه بود، ولی امروز قریب به ۲۰ مسجد در این شهر بنا شده است و شیعیان توانسته‌اند حضور خود را در وسایل تبلیغی عمومی مانند تلویزیون و روزنامه‌های ترکیه مطرح کنند» (به نقل از سند ۸۷۲۰ مرکز اطلاع‌رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

زمینه‌های اثرپذیری برخی از شیعیان نیز ریشه‌های عمیق و تاریخی دارد. برای مثال انقلاب اسلامی بر علویان ترکیه اثرات مهمی داشت زیرا بسیاری از آنها اصل خود را از ایران و خراسان می‌دانند و به شاهان صفوی محبت می‌ورزند و شاه اسماعیل را از اولیای خدا می‌دانند. در واقع ایجاد نوعی اعتماد به نفس و زمینه بازگشت به تشیع اصیل و تأثیر مثبت بر موضع برخی شریعت‌گرایان نسبت به علویان از جمله این موارد است.

سه. برخی از اهل تسنن در ترکیه نیز با توجه به بازتابها و نمودهای انقلاب اسلامی به تشیع و مکتب اهل بیت گرایش یافتند که گزارش سند ۸۷۲۰ مرکز اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شاهدهی بر این مدعا است؛ در این گزارش آمده است:

«مستبصرین و طرفداران انقلاب اسلامی از اهل سنت ترکیه یک عده قابل اعتنایی را تشکیل می‌دهند که باید مدت‌نظر قرار گیرند. تقریباً در هر منطقه‌ای از ترکیه به عده زیادی برمی‌خوریم که از اهل سنت بوده‌اند و بعد از انقلاب اسلامی ایران، در آخر حرکتی که این انقلاب الهی در آن‌ها ایجاد کرده است با تحقیق یا خود مستبصر شده، مذهب شیعه را اختیار کرده‌اند و یا در حال تحقیق و بررسی هستند» (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۹).

چهار. شخصیت امام خمینی (ره) و فرامین ایشان به مسلمانان جهان از جمله تأثیراتی است که بواسطه انقلاب انعکاس خود را در میان مردم ترکیه به خوبی نشان داده است. این مسئله را می‌توان از توجه بیش از حد به کتابهای ایشان و دستوراتشان به سطوح مختلف جامعه دریافت. بعد از وقوع انقلاب درخواست برای کتابهای امام (ره) و ترجمه و توزیع آنها بسیار پررنگتر از قبل دنبال شده است. مکالماتی نیز که توسط نمایندگان مختلف در نشریات و روزنامه‌های ترکیه چاپ می‌شد بر این مسئله تأکید ویژه‌ای داشت. البته موضع‌گیری‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نیز در جریان این مسئله جالب توجه به نظر می‌رسد. امام خمینی (ره) همانند بسیاری از صاحب‌نظران برجسته عالم اقدامات خشونت‌بار آتاتورک در نابودی فرهنگ اسلامی مردم ترکیه را تقبیح کرده و اقدامات وی و مقلدان او نظیر رضاخان را مخالف انسانیت قلمداد می‌کردند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایشان در پاسخ به خیرنگار یک مجله لبنانی انگلیسی زبان؛ مبنی بر اینکه آیا فکر می‌کنید دامنه حوادث ایران به ترکیه نیز کشیده شود؟ چنین اظهار داشتند که «نهضت مقدس ایران؛ نهضت اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه مسلمانان جهان را تحت تأثیر قرار دهد» (زارع، ۱۳۸۰: ۱۵۳).

برخی از سفارشات و دستورات حضرت امام (ره) مثل روز قدس نیز از جمله مقولاتی است که به طور جدی در ترکیه احیاء گردید. در واقع می‌توان اذعان کرد یکی از حرکت‌های جهانی انقلاب اسلامی که با موفقیت چشمگیری نیز روبه‌رو شد، اعلام روز

جمعه آخر ماه مبارک رمضان به عنوان «روز جهانی قدس» بود که عملاً با استقبال مسلمانان اعم از شیعه و سنی مواجه شد و در ترکیه نیز می‌توان آن را تأثیرگذارترین روز در جنبش اسلام‌گرایی مردم ترکیه دانست که در غالب تظاهرات باشکوه و شعارهای ضدلایستی هر ساله برگزار می‌شود. اضافه بر مطالب گفته شده رواج برخی کتب از اندیشمندان و متفکران معاصر ایرانی همچون استاد مطهری و دکتر شریعتی در طبقه جوانان ترکیه نیز بسیار قابل تأمل است.

گراهام فوطی طی تحقیقاتی که در فاصله ۵ سال از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ مؤسسه تحقیقاتی رند برای وزارت دفاع آمریکا انجام داده است، به موردی پیرامون تأثیر انقلاب اسلامی در ترکیه اشاره می‌کند که در نوع خود جالب توجه است و آن حمایت و کمک مالی عربستان سعودی به گروه‌های اهل تسنن و حرکت‌های اسلامی موجود بین کارگران ترک در ترکیه و اروپا جهت مقابله با نفوذ ایران و افکار و تشیع است وی در این باره چنین می‌گوید:

«انقلاب ایران و نیرو گرفتن بنیادگرایی شیعه در خاورمیانه، عربستان سعودی را به تشدید فعالیت‌های خود برای گسترش تسنن بنیادگرا واداشت. سعودی‌ها از سال ۱۹۷۰ تاکنون از حرکت اسلامی موجود در ترکیه طرفداری می‌کنند. پس از انقلاب ایران میزان این طرفداری افزایش یافت. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، سعودی‌ها در پیشبرد بخش از اقتصاد اسلامی در ترکیه نقش مهمی ایفا کردند. این امر برای اسلام‌خواهان ترکیه منابع جدید مالی به همراه داشت. گفته می‌شود سعودی‌ها برای کمک به فعالیت‌های اسلامی به دانشجویان بورس می‌دهند و به سازمان‌های دانشجویی نیز مستقیماً پول می‌دهند. همچنین عربستان سعودی برای گسترش اسلام مورد نظر خود میان ترک‌های آلمان و کشورهای دیگر اروپایی در حال رقابت با ایران است...» (صادقی، ۱۳۷۶: ۶۸).

علاوه بر موارد فوق رشد انتشارات و نشریات اسلام‌گرایان، تمسک اسلام‌گرایان به ابزارهای آموزشی و تعلیم و تربیت، توانایی نظامیان در سپتامبر ۱۹۸۰ برای مهار انقلاب اسلامی در داخل و خارج ترکیه، ورود فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌های مذهبی در دانشگاه‌ها و اسلامی شدن دانشگاه‌ها، اخراج اسلام‌گرایان از ارتش، شرکت چشمگیر مردم در

مراسمی چون روز قدس و سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، رونق و افزایش مساجد و گسترش حجاب برای زنان و... از دیگر مؤلفه‌هایی که وقوع انقلاب اسلامی در ایران در شکل‌گیری و یا رونق هرچه بیشتر آنها تأثیر بسزایی داشته است.

۵- آینده اسلام سیاسی در ترکیه

همان‌طور که در مباحث گذشته به آن اشاره شد طرح‌ها و برنامه‌های نظام لائیک ترکیه برای اسلام‌زدایی نه تنها نتیجه‌ای در بر نداشت بلکه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ اسلام به صورت جدی‌تری در عرصه‌های مختلف این کشور مطرح گردید. علاوه بر ناکامی لائیسزم در تحمیل خواسته‌هایش، ایجاد فضای باز سیاسی و رشد تدریجی مردم‌سالاری در سال‌های ۱۹۸۳ الی ۱۹۹۷ نیز در رشد اسلام‌گرایی بسیار مؤثر بود، البته از تحولات بین‌المللی مهمی چون پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی نیز نباید غافل بود. در واقع محوری‌ترین تحولی که در ۱۹۸۰ به اسلام‌گرایی در ترکیه شتاب بخشید پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که سرآغاز حرکت نو اسلام‌گرایی در سراسر جهان اسلام و بویژه در کشورهای همسایه ایران به شمار می‌رفت.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز در افول و حذف تفکرهای سوسیالیستی و مارکیستی از جامعه ترکیه که یکی از مهمترین رقبای اسلام‌گرایان در جذب جوانان به شمار می‌رفت بسیار مهم بود (زارع، ۱۳۸۳: ۳۲۰).

با این وصف ذکر این نکته حائز اهمیت است که به طور کلی اغراق در مورد اسلام‌گرایی در ترکیه امری اشتباه است. شاید مهم‌ترین علت این باشد که حاکمیت طولانی لائیسزم تأثیر عمیقی بر لایه‌های مختلف جامعه گذاشته است و به موازات افزایش گرایش‌های اسلامی در دو دهه گذشته، نظام لائیسزم نیز سعی کرده است با افزایش کمی و بزرگ جلوه دادن نموده‌های فرهنگ منحن غربی روند سلطه جلوه‌های ضد اسلامی را شتاب بخشد. به همین دلیل جامعه فعلی ترکیه جامعه‌ای با فرهنگ دوگانه و متعارض می‌باشد.

«در واقع اسلام‌گرایی به علت فشار نهادهای نظام لائیک کمتر توانسته است اندیشه و عمل خود را در راه ایجاد یک جامعه اسلامی تمام‌عیار بسیج کند و لذا بیشترین هم خود



را بر کسب طبیعی ترین حقوق مردم مسلمان مثل حق پوشش اسلامی به کار گرفته است. در همین راستا اسلام گرایان بیش از آنکه بر ایده‌های انقلابی روی بیاورند، مشی میانه‌روی اتخاذ کردند. در اواخر دهه ۹۰ نیز اسلام‌ستیزی نظام لائیک به جایی رسیده بود که هر تشکل مردمی یا فردی که صبغه‌ای اندک از اسلام را داشت مورد مؤاخذه و تعقیب قرار می‌داد» (زارع، ۱۳۸۳: ۳۲۷).

۵-۱- بررسی چشم‌انداز آینده

یکی از مسائل عمده اسلام‌گرایی در ترکیه این بود که اسلام‌گرایی پس از سرکوب کودتاچیان در سال ۱۹۹۷ به رادیکالیزم کشیده نشود و نوعی میانه‌روی سیاسی را برگزید ولی احتمال اینکه این میانه‌روی نیز توسط نظامیان به طور کل سرکوب شود وجود داشت و در واقع چنین شد. لذا با سرکوبی این میانه‌روی که با تعطیلی حزب فضیلت به اوج رسید احتمال رشد جنبش‌های رادیکال اسلامی پدید آمده است، اما این جنبش هنوز به‌طور جدی فعالیتی در عرصه بیرونی جامعه از خود نشان نداده است.

از دیگر مسائل مهم بوجود آمده، روی کار آمدن حزب «عدالت و توسعه» و موفقیت‌های چشمگیر آنها در انتخابات بود. هرچند این حزب نوعی محافظه‌کاری را در جهت محبوبیت و تمایل مردم در درون خود دارد و به نوعی برخی از مظاهر غیراسلامی را نیز پذیرفته است، لکن نکته مهم این است که نهادهای لائیک و ضد اسلامی ترکیه با همین مقدار تمایلات و گرایش‌های اسلامی حزب عدالت و توسعه نیز موافقت ندارند و به نوعی در صدد مخالفت و محو آن هستند، ولی به طور کلی این مرحله از تاریخ ترکیه را می‌توان مرحله پیروزی دموکراسی و اسلام میانه‌رو در مقابل لائیسزم و سکولاریسم تعبیر کرد. یعنی جمهوری ترکیه قدم در راه جدیدی گذاشته است که در آن پاسخگویی به مطالبات مردم مسلمان را نیز مدنظر قرار داده است. به عبارت دیگر اگر در تعریف تساهل بگوییم «تساهل عبارت است از آنچه اصولاً ما قبول نداریم ولی به هر حال آن را می‌پذیریم» باید قبول کرد که ارتش و حامیان سکولاریسم در ترکیه با اندیشه تساهل و مدارا از میدان خارج نشده‌اند.

همان طور که می‌دانیم در تساهل باید میل اصلی به ممانعت وجود داشته باشد اما سرکوب شود.

در اینجا بیان و توضیح این نکته ضروری است که حزب عدالت و توسعه که هم اکنون به عنوان حزب حاکم جامعه ترکیه شناخته می‌شود قصد دارد تعریف جدیدی از همزیستی عملی اسلام و لائیسزم در جامعه ترکیه ارائه دهد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که برداشت این حزب از نقش اسلام و دولت در جامعه با آنچه در جمهوری اسلامی ایران حاکم است، متفاوت می‌باشد. رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در اظهارات خود می‌گوید: «من لائیک نیستم، فرد نمی‌تواند لائیک باشد، بلکه این دولت و سیستم حکومتی است که باید لائیک باشد».

او مقایسه اسلام و لائیک را مردود می‌داند و می‌گوید اسلام دین است، اما لائیسزم یک شیوه مملکت‌داری است و نباید این دو را با هم خلط کرد. لذا وجود آزادی دین و شعائر دینی در حوزه‌های فردی و اجتماعی لازم است. بر مبنای چنین تفکری است که دولت ترکیه در سال‌های گذشته بر رفع ممنوعیت حجاب اسلامی در اماکن دولتی و فعالیت برخی مدارس مذهبی تأکید کرده و در نتیجه با مخالفت نهادهای لائیک روبه‌رو شده است، حال به نظر می‌رسد در شرایط جدید با همسو شدن دولت، پارلمان و ریاست جمهوری زمینه برای اینگونه اصلاحات فرهنگی و مذهبی در ترکیه فراهم شود. اما نباید این مؤلفه مهم را از نظر دور داشت که ارتش و نهادهای لائیک جهت ایجاد مانع در حرکت حزب عدالت و توسعه از هیچ امری فروگذار نخواهند کرد و از دستیابی این حزب به اهداف زیربنایی و مهم جلوگیری به عمل خواهند آورد.

در مجموع باید گفت وقتی به موانع متعدد در مسیر اسلام‌گرایی سیاسی در ترکیه نگاه کنیم، دورنمای مبهمی از آن مشاهده می‌کنیم، اما وقتی به توان دین‌مبین اسلام و دستورهای قرآن کریم در به حرکت در آوردن انسان‌ها و ایجاد تحول عمیق در جامعه می‌نگریم آینده روشنی برای کلیه حرکت‌های اسلامی می‌بینیم. به گفته دکتر حمید احمدی عامل تعیین‌کننده ریشه‌های و مشترک در اسلام‌گرایی، همان اعتقادات

قلبی و پایه‌ای اسلام است که در هر جامعه‌ای مطابق شرایط جلوه می‌کند و به بالندگی می‌رسد (زارع، ۱۳۸۳: ۳۳).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این مقاله به آن پرداخته شد اسلام به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی هویتی و فرهنگی مردم ترکیه در تار و پود زندگی آن‌ها تنیده شده است و با میراثی که از عثمانی برای آن‌ها باقی مانده است، حضور این مقوله در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها غیرقابل انکار است. بعد از ظهور لائیسزم و فشارهای بیش از حد جمهوری تأسیس شده به دست آتاتورک تا مدتی شاهد عدم بروز حرکت‌های اسلام‌گرایانه سیاسی در جامعه ترکیه هستیم - هرچند که به صورت مخفی این مسئله دنبال می‌شده است اما بعد از مدتی و به موازات بازشدن فضای سیاسی و اجتماعی این کشور، اسلام در عرصه‌های مختلف خودنمایی می‌کند. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که اسلام‌گرایی در درون این کشور به صورت بالقوه دارای نیروی زیادی بود که با وقوع انقلاب اسلامی ایران این نیرو تا حد زیادی به فعلیت رسید و توانست حضور مؤثر و جدی خود را تثبیت کند این نیرو در سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ به اوج بالندگی خود رسید. در واقع باید بر این نکته تأکید کنیم که وقوع انقلاب اسلامی ایران به سان جرقه مؤثری در بدنه اسلام‌گرایی سیاسی در ترکیه بود که توانست نیروهای مخفی این مقوله را از لایه‌های زیرین جامعه به سطح بیرونی منتقل کند و حرکت رشد و بالندگی آن را سرعت بخشد.

البته این مسئله را نباید از نظر دور داشت که اسلام در جامعه ترکیه به طور کلی و با توجه به عوامل تأثیرگذار یک اسلام میانه‌رو است و هنوز از شکل‌گیری مشی انقلابی نمی‌توان سراغی گرفت. نگاه به اسلام و اسلام سیاسی در این کشور خصوصاً در میان هیئت حاکمه با آنچه که در جمهوری اسلامی ایران حاکم است، بسیار متفاوت می‌باشد و این مسئله‌ای است که در تحلیل‌ها و تحقیق‌ها مربوطه باید مدنظر قرار گیرد.

در مجموع باید گفت چرخه تحولات در ترکیه در آینده هم مسیر خود را طی خواهد کرد با این تفاوت که ترکیه ناچار است به خاطر چراغ سبزی که غرب مسیحی با پذیرش نامزدی این کشور جهت عضویت در اتحادیه اروپا نشان داده است، در گام اول استانداردها و معیارهای این اتحادیه را رعایت کند، به عنوان مثال طبق اصول اولیه دموکراسی محدودیت بیشتری برای نظامیان اعمال کند و همچنین در مقابل جریانات سیاسی اسلامی که از طریق حرکت در درون نظام موجود می‌خواهند مشارکت سیاسی داشته باشند، بردباری بیشتری از خود نشان دهد.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- پشاپور دلخواه، علی (۱۳۸۶)، اولین رئیس جمهور، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۷.
- ۲- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ۳- حیدزاده نائینی، محمدرضا (۱۳۸۰)، تعامل دین و دولت در ترکیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- ۴- زارع، محمدرضا (۱۳۸۰)، علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، فصلنامه علمی و تخصصی طلوع، شماره ۲.
- ۵- زارع، محمدرضا (۱۳۸۳)، علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ اول.
- ۶- صادقی، حامد (۱۳۷۶)، جریانات اسلامی در ترکیه، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۷- قاسمی، صابر (۱۳۷۴)، ترکیه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- ۸- کسرائی، محمدسالار (۱۳۷۶)، اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

- ۹- محمدی، علی اصغر (۱۳۸۶)، پایان کمالیسم (تأثیر ریاست جمهوری گل بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی ترکیه)، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۱۷.
- ۱۰- مزروعی، امین علی (۱۳۸۴)، قرائت‌های اسلام سیاسی، **بازتاب اندیشه**، شماره ۶۵.
- ۱۱- مستکین، عبدالمهدی (۱۳۸۳)، اسلام سیاسی، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۲۷.
- ۱۲- مفیدنژاد، مرتضی (۱۳۸۶)، نگاهی به احزاب و جریانات اسلامی در ترکیه، روزنامه **سیاست روز**، شماره ۱۷۴۲، صفحه ۷.
- ۱۳- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، میانه‌روهای کارآمد (علل پیروزی اسلام‌گرایان در ترکیه و پیامدهای آن)، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۱۷.
- ۱۴- هرمان، راییز (۱۳۸۳)، روایت‌های متفاوت از اسلام سیاسی در ترکیه، ترجمه محمدحسین خورشیدی، **اخبار ادیان**، شماره ۷.

